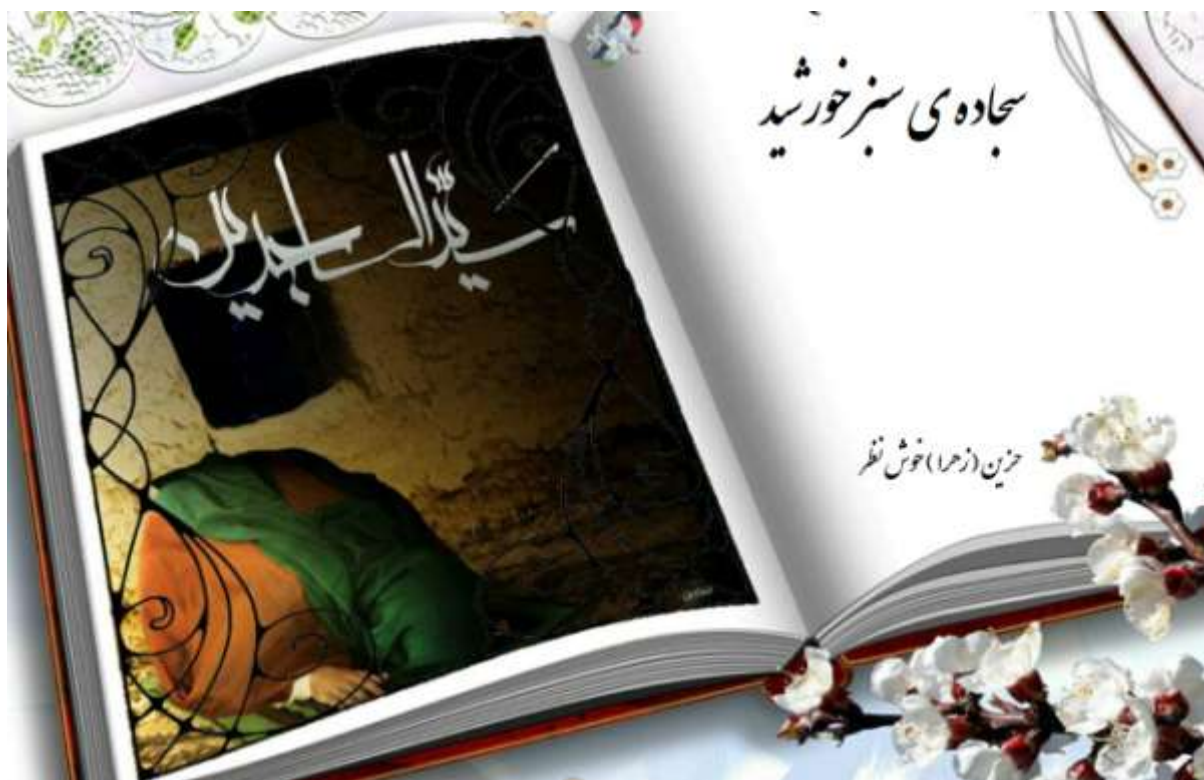


اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



<http://hazzin.blogfa.com>

خداوندا

ستایش خود، و سپاس خود، و یاد، و شنای نیک خود را بر زبانم جاری ساز،
و قلمم را کنجایش فمم بدف های دین خود عنایت فرما.

امام سجاد علیه السلام - صحیفه سجادیه





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ

پروردگار اود فرست بر حضرت علی بن الحسین، سید و بزرگ اهل عبادت،

الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ

آنکس که تو او را برای خود خالص گردانیدی،

وَجَعَلْتَ مِنْهُ أَيْمَةَ الْهُدَى الَّذِينَ يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَغْدُلُونَ

و از نسل پاکش پیشوایان هدایت را که آنها خلق را به حق هدایت کنند و به حق باز رجوع کنند قرار دادی،

اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ

و او را برای خویش اختیار فرمودی،

و طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ اصْطَفَيْتَهُ

و او را از هر رجس و ناپاکی پاک و مطهر ساختی و او را برگزیدستی،

و جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا

و هادی خلق بسوی خدا و هدایت یافته به حق قرار دادی،

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ

پروردگار افس درود و رحمتی بر او فرست که بهترین درودهایی باشد که بر ذریه پیغمبرانت فرستادی،

حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

تابه آن درود دنیا و آخرت دیده اش روشن فرمایی،

إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

که تو ای خدای مقتدر کامل و به حقایق امور آگاهی.





و پس از شهادت سردار فتح کربلا، امام حسین علیه السلام، امام سجاد مانده بود و دانه های زنجیر
و بانوزینب مانده است، و کو دکان تیم حرم الهی، و پرستاری از بیمار اسیر و مجروح خویش.
و پرچم برافراشته سرخ عاشورا، بر دوش های خمیده اما ملوکوتی بانوزینب (س).

وزینب سلام الله علیها مانده بود و رنج سفر،
و دل های عاشورائی شان بسته به زنجیر عشق.

و اینک

امام سجاد علیه السلام بود، و سوز دعا و صحیفه اش.
و عشق بود که بادستان سبز دعا به آسمان عروج می کرد،
که صحیفه اش زبور آل محمد (ص) بود، و انجیل اهل بیت.
و عشق از لبان مقدس او پرنده ای می شود که به آسمان بال می کشد،
و از حریم ملکوتی فرشتگان می گذرد، و در سایه عرش الهی آرام می گیرد.
هم او که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اش فرمود:
نجابت عرب و عجم هر دو به اعتبار پدر و مادر او جمع است.
که پدر بزرگوارش حضرت سید الشهداء علیه السلام بود، و مادر گرامی اش شهربانو دختر پادشاه ساسانی.

و پیش از این شهربانو و خواهرش را دیده بودم، که در زمان عمر بن الخطاب در کسوت اسرای ایرانی به خدمت حضرت علی علیه السلام

رسیده بودند، و می خواستند آنها را بفروشند، که امیرالمؤمنین علیه السلام به عمر بن الخطاب فرمود:

دختر پادشاهان حتی اگر کافر هم باشند فروخته نمی شوند.

ولی توبه او پیشنهاد کن که کسی را برای خود انتخاب کند

و هر کس را انتخاب کرد به ازدواج وی در آور، و (مهریه ازدواج) را بهای آن قلمداد کن.

عمر نیز او را مخیر کرد،

و شهربانو، امام حسین علیه السلام را برگزید و با او ازدواج کرد.^۱

و امام سجاد علیه السلام سهم بزرگ او از جهان آفرینش.

و دستان سبز دعا هنوز از جای زنجیر با خون آلود است،

و ریسمان عشق به چنان برپای فرزند مطهر امام حسین علیه السلام.

و چه کسی از گل زخم های خونین دلش آگه است که خون به آسمان فواره می زند و عشق می روید.

و پس از واقعه کربلا، او را در حالی که با طناب پیچیده شده بود، در بار ظالمان و سفاکان خونریز شامی یافتند.

که در حضور شامیان به سبزه زده و سخن می گوید.

امام سجاد علیه السلام پس از ستایش و حمد خداوند فرمود:

^۱ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، هاشم معروف الحسنی، مترجم محمد مقدس، ج ۲، ص ۱۲۲.

ای مردم به ماشش چیز داده شده، و به هفت فضیلت آراسته ایم.
به باداش، و بردباری، و عظوفت، و فصاحت، و شجاعت، و محبت دل مؤمنان داده شده است.
و فضیلت ایمان در آن است که پیامبر برگزیده ی خدا صلی الله علیه وآله، و صدیق، و طیار، و شیر خدا، و شیر پیامبر خدا، و بانوی
زنان، و امامان این امت از ما است.

آنگاه فرمود:

ای مردم، هر کس مرا شناخته که شناخته، و هر کس نمی شناسد از حسب و نسب آگاهش می کنم.

منم فرزند کله و منی...

منم فرزند زفرم و صفا...

منم فرزند آن که از همه بهتر سعی و طواف کرد...

منم فرزند آن که از همه بهتر برج خانه ی خدا رفت و خدای را بیک گفت...

منم فرزند آن که با اسب «براق» راهی آسمان شد...

منم فرزند کسی که شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برده شد...

منم فرزند آن که جبرئیل او را به سدره القتی برد...

منم فرزند آن که نزدیک شد و فرود آمد تا به اندازه ی دو گمان یا نزدیک تر گشت. ۲.

و منم فرزند آن که در آسمان برای فرشتگان نماز خواند...

منم فرزند آن که خداوند بر او وحی کرد...

منم فرزند محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله)، و علی مرتضی (علیه السلام)، ..

منم فرزند کسی که بزرگان خلق را وادار به کفتن لاله الا الله کرد...

منم فرزند آن که همراه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، بادو شمشیر نبرد کرد،

و دو بیت کرد، و بادو نیزه به جنگ پرداخت، و دو بار هجرت کرد، و در بدر و خنین جنگید،

و حتی یک محطه به خدا کفر نوزید...

منم فرزند کسی که.....

و امام سجاد علیه السلام به سخنان خویش ادامه داد، و خصلت ها و ویژگی های دو جد بزرگوارش،

حضرت رسول اکرم صلی الله علیها و آله، و حضرت علی علیه السلام، و پدر گرامی اش حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، را بر جمع

حاضران بیان می نمود، و وقایعی که در کربلا اتفاق افتاده بود به یاد می آورد، که مردم به گریه و زاری افتادند.

و زید که پایه های حکومت منصور خویش را لرزان می دید، به مؤذن دستور داد اذان بگوید.

و هنگامی که مؤذن الله بگفت حضرت فرمود: هیچ چیز از خدا بزرگتر نیست.

و هنگامی که گفت اشهد ان لا اله الا الله، امام فرمود:

گوشت و خون و پوست و مویم بدان گواهی داده است.

و هنگامی که گفت: اشهد ان محمداً رسول الله.

امام علیه السلام رو به زید بن معاویه کرد و به او فرمود:

این محمد (ص) جد من است یا جد تو؟
اگر بگوئی جد توست دروغ گفته‌ای و کفر ورزیده‌ای،
و اگر بگوئی که او جد من است، پس چرا عترت او را به قتل رساندی.
و در مجلس یزید کی از احبار یهود حاضر بود، و به یزید گفت:

این جوان کیست؟

یزید گفت: او علی بن الحسین است.

آن یهودی از جد پدر و مادرش پرسید
و یزید نسبش را برایش بازگفت، تا اینکه به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید،
یهودی گفت:

ای سجان الله، شتاب همین زودی فرزند دختر پیامبرتان را کشتید.

پس از او چه بدباختندانش برخورد کردید.

به خدا قسم اگر موسی بن عمران نواده‌ای از خود بجای می گذاشت گمان می کنم که او را پس از خدایم پرستیدیم.

شماره روز پیامبرتان بدرد کشتید، و (امروز) بر فرزندش یورش آوردید و او را کشتید،

چه امت پستی هستید.^۳

و در جای دیگر امام خویش را دیدم، که خطاب به مردم کوفه فرمود:

ای مردم، شمار بخدا سوگند می دهم آیامی دانید که شمار برای پدرم نامه نوشتید، و فرمایش دادید،

و عهد و پیمان و بیعت با او بستید، و سپس به مجلس شتاقید.
 ای ننگ و نفرین بر شما، که چه کار زشت و ننگ آلودی کردید.
 شما چه روی می خواهید به رسول خدا صلی الله علیه و آله چشم اندازید، حال آن که به شما خواهد گفت:
 شما خاندان مرا کشید، و حرمتم رازیر پاکدارید، و دیگر در شمار اتمم نیستید.
 و بانو زینب سلام الله علیها خطاب به آنان فرمود:
 آری بخدا بسیار گریه کنید و کمتر بخندید که ننگ و رسوایی بر شما ماند، و هرگز نخواهید توانست دامن خود را از آن پاک کنید.
 شما چگونه می توانید دانتان را از قتل نواده‌ی خاتم پیامبران، و سرور جوانان بهشتی پاک کنید.^۴



و کاروان می رفت، و دل های مصیبت زده‌ی شیعه را بدنبال خویش می کشاند
 و کاروان نور در پهنج‌ی سبز، مستی راه می سپرد،
 و قافل‌های عشق اینک از شام بسوی مدینه بازمی گشت،
 و در مسیر خویش عاشورائیان، دوباره به کربلا باز آمده بودند،

^۴ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، ج ۲، ص ۱۴۸.

و جابر بن عبد الله انصاری و همراهانش را در زیارت قبر سالار شهیدان یافتند،
که جابر اگر چه نابینا بود، ولی رایح‌هی عشق او را به استقبال کاروانیان نور،
و عترت کرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله رهنمون شد.

و امام زین العابدین علیه السلام به او فرمود:

ای جابر، در همین جا بود که مردانمان کشته شدند، و کودکان سربریده شدند، و زنان باه اسارت درآمدند،

و خیمه‌های ما به آتش کشیده شد.....^۵



و کاروان کربلا وقتی به نزدیکی مدینه رسید رحل اقامت افکند،

و امام سجاد علیه السلام، به بشر بن جزیم که همراهش بود فرمود:

به مدینه برو و خبر شهادت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را به گوش مردم آنجا برسان.

و بشر وقتی به مدینه رسید، خطاب به آنان خواند:

ای اهل یثرب دیگر جای شادمانی این شهر نیست.

حسین (ع) کشته شد، و باید که همچون سیل اشک بریزید.

وطن او در کربلا به خون آغشته است...

و بدنبال این خبر، هشتاد و هشتاد تن، مردم مدینه باز دو حام به استقبال کاروانیان عشق آمدند،

و شهادت سرور شهیدان را به امام خویش تسلیت می گفتند.

و امام علیه السلام با دست به مردم اشاره کرد تا ساکت شوند آنگاه فرمود:

پاس و تپش خدای را که پروردگار جهانیان است.

و مالک روز جزا، و آفریننده ی تمامی خلق.

و او را بر هر مصیبت بزرگی، و فجایع زمانه، و دردناک ترین فاجعه ها، و سوزناک ترین شکنجه ها، و بزرگترین بدبختی ها،

و مصیبت های ناگوار، و دردناک، و سنگین، و طاقت فرسا و زشت، تپش و پاس می گوئیم.

آنگاه فرمود:

ای مردم، خداوندی که همواره پاسش باد، ما را به مصیبت های بزرگی بیازمود،

و در اسلام شکاف و رخنه بزرگی پدید آمد.

پدرم ابا عبدالله و خاندانش کشته شدند، و زنان و کودکانش به اسارت درآمدند،

و سر مبارک او را در شهر باو بر سر نیزه کردند، و این مصیبتی است که مانند آن نبوده است.

ای مردم، کدام یک از مردان شاپس از کشته شدنش شاد می شوند.

و کدام دلی است که به خاطر او به دردناید،

و کدام چشمی است که اشکش را نگهدارد و از سرازیر شدنش جلوگیری کند،

و کدام قلبی است که به خاطر کشته شدن او به در دنیا بد

و کدام دلی است که به زاری اش تشنه شود،

و کدام کوشی است که این مصیبت وارده بر اسلام را بشنود و گریه نکند.

ای مردم،

ماینگ بدون پنج جرم و گناهی، آواره و سرگردان و رانده شده ایم.

ما سابقه‌ی این کار را در مورد اجدادمان سراغ نداریم، و این یک برکت است.

ما از این مصیبتی که جانگاہ تر و دردناک تر و تلخ تر از آن نیست و بر ما وارد شده، به خدا پناه می‌بریم،

و انالله و انالی الیه راجعون می‌گوییم،

و از آنچه بر ما رفته است به خدا شکایت می‌بریم، که او پر قدرت و انتقام گیرنده است.

امام سجاد علیه السلام پس از پایان گرفتن سخنرانی خود، در حالی که اشک از چهره مطهرش سرازیر بود وارد دیدینه شد،

و شهر را وحشت زده یافت، و مردمش را غم و اندوه فرا گرفته بود.

مردمانی که یارای یاری داشتند و یاری نکرده بودند، و دعوت اباعبدالله الحسین را شنیده بودند و پانچ نگفته بودند.

و اینک دیدینه بیدار شده بود، و احساس گناه و شرم جوانه می‌زد.

و تنها پس از گذشت سه سال از واقعه کربلا، قیام توأمین، و قیام مختار بن عبیده الشنقی، و مسلمانان صورت گرفت.

جهان در حال احتضار اسلام، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، و یاران و فداوارش جانی دوباره یافته بود.

و یک سال پس از واقعه کربلا مردم مدینه سربه شورش برداشتند.
بزرگان مدینه بیعت خویش را بایزید نقض کردند، و کارگزارش عثمان بن محمد بن ابی سفیان را طرد کردند،
و بنی امیه را در خانه مروان به محاصره درآوردند، و سپس آنان را از مدینه بیرون کردند.
و این اقدامات به اطلاع زید بن معاویه رسید.
و او لشکری به فرماندهی مسلم بن عقبه به مدینه فرستاد،
و اهل مدینه با لشکری به فرماندهی عبدالله بن حنظل، (مشهور به غیل الملائکه) با آنان جنگیدند،
و در نبرد سخت و خونین لشکر شام به پیروزی رسید، و واقعه‌ی حره را بوجود آوردند.
و شد آنچه شد.

و در این معرکه دشتناک می دیدم که امام سجاد علیه السلام و اهل بیت او، و همه‌ی کسانی که به خانه‌اش پناه آورده بودند،
که بالغ بر چهارصد خانوار می شدند از شهر مسلم بن عقبه در امان ماندند.
و تعداد کشته‌های فرزندان انصار و مهاجرین، و سران مدینه به هزار و هفتصد تن،
و کشته‌های دیگر مردم، به غیر از زنان و کودکان به ده هزار تن رسید.
و تاریخ با سرافکنندگی تمام به نگاشتن شرح این وقایع جانکداز نشست.
که مسلم بن عقبه مدینه را سه روز برای سوارانش مباح کرد.
و دختران بکر حمله شدند، و بعد زاینند، و پدران آن بچه‌ها شناخته شدند.
و بیشتر اهل مدینه در این نبرد خونین کشته شدند.

و کسانی که زنده مانده بودند به عنوان بردگان نرید با اوبیعت کردند.

و کسانی که سر از بیعت می‌پسچیدند کردن زده شدند.

طی این نبرد، و سه روزی که مسلم بن عقبه به کثاری پرداخت جز کسانی که فرار کردند، و یا آنهایی که به امام علی بن الحسین علیه السلام پناه آورده بودند، کسی از زن و مرد، جان سالم از دست لشکریان شام به در نبرد. و در همان هنگام که نرید بن معاویه به شورشیان مدینه می‌پرداخت، مردم کوفه قیام توأمین را تشکل می‌نخشدند. آنان با شرم و پریشانی و پشیمانی می‌گفتند:

ما فرزند دختر پیغمبر خویش را هفتانیم، ولی او در میان ما به شهادت رسید.

حال آنکه ما از جان خود بر او دریغ کردیم،

و نه بادستان خود به لکش شتاقیم، و نه بازبان یاری اش کردیم،

و نه با مال و ثروت خود تقویتش نمودیم.

مانند خدا، و به هنگامی که با ما بر خدا ملاقات می‌کنیم چه عذری داریم؟

نه بخدا که هیچ عذری نداریم مگر آنکه قاتلان و برانگیخته‌گان علیه او را به قتل رسانیم،

یا اینکه در این راه جان بساریم تا شاید خداوند توبه‌ی ما را بپذیرد.

توأمین قصد خود را از هیچ کس پنهان نکردند، و به خرید سلاح و نیازهای جنگی پرداختند،

و شروع به جمع‌آوری افراد و اموال کردند.

و با فرارسیدن سال شصت و پنج هجری، کوفه شاهد خیل عظیم مردم بود،

که بجلی در حالیکه آیه می، فتوبوا الی ربکم فاقبلوا نسیکم ذلکم خیر لکم عنده بار نکم

(پس به درگاه خدا تکلان توبه کنید و خویشتان را بکشید که این نزد پروردگارتان برای شما بهتر است.)

رامی خوانند از کوفه به مقصد زیارت کربلا حرکت کردند.

و در آنجا به عزاداری پرداختند، و یک شبانه روز در آنجا ماندند، و می گفتند:

پروردگارا، ما فرزند دختر پیامبر خود را تنها گذاردیم.

ما را بخش و توبه می ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی.

ما تو را گواه می گیریم که سزای قاتلانش را بدسیم.

و اگر بر ما ننجاشی و ما را رحم نکنی، از زیان دیدگان خواهیم بود.

و پس قبر شریف را به سوی شام ترک گفتند.

و مروان بن الحکم که پس از مرگ زید بر اریکسی قدرت نشسته بود، ارتشی را به فرماندهی عبیدالله بن زیاد از شام،

به مقصد سرکوب قیام در کوفه کسل داشته بود.

طرفین در مکانی به نام «عین الورد» به یکدیگر رسیدند.

و انقلابیون همچون موحی توفنده، با آن خزاران جنگجویی که از شام آمده بودند برخورد کردند.

میان آنان نبرد سختی در گرفت، تا بالاخره تمامی آنها تا آخرین نفر در این راه جان باختند.

توأمین، شهدای پشیمانی و توبه گردیدند،

و در پس خود پشیمانی را همچون میراثی برای فرزندان پس از خود و نواکانشان به جای نهادند،

تاسل های پایی به آتش آنان بوزند.^۶

و یک سال بعد، یعنی در سال شصت و شش هجری، بار دیگر کوفه در قیام مختار، مردم را به گرفتن انتقام

امام حسین علیه السلام فرامی خواند.

و مختار به تعقیب قاتلان امام حسین علیه السلام پرداخت.

و تنها کسانی جان سالم بدر بردند که از کوفه به شام گریختند.

و عبیدالله بن زیاد، با ارتش عظیمی از شام به قصد عراق حرکت کرد.

و مختار، ابراهیم بن اشتر را به همراه ارتش از جنگجویان کوفه به مصاف ابن زیاد فرستاد.

و تاریخ، در تحیر از اینکه این نبرد خونین، درست روز دهم محرم سال شصت و هفت اتفاق افتاد.

و اهل شام با گذاردن هزاران کشته متواری شدند.

و ابراهیم بن اشتر، سر عبیدالله بن زیاد را برای مختار فرستاد.

و او نیز آن را برای امام سجاد علیه السلام در دیده فرستاد.

و امام علیه السلام در آن هنگام مشغول خوردن نهار بود، و فرمود:

ای سجان الله، سر پدر مرا نیز وقتی بر صاحب این سر وارد کردند مشغول نهار بود.

و زنان هاشمی پس از واقعه عاشورا به مدت پنج سال و تا پیش از کشته شدن عبیدالله بن زیاد، بیچ کدام سر مه نکشیدند و خناب نکردند.

و در بیچ خانه ی هاشمی، دودی بر نخاست (غذایی نخه نشد).^۷

^۶ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، ج ۲، ص ۱۵۰.
^۷ - حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام

ووقتی مختار، سرعبیدالله بن زیاد، و سرعرب بن سعد را نزد علی بن الحسین علیه السلام فرستاد، حضرت به سجده افتاده فرمودند:

سپاس خدایی را که انتقام مرا از دشمنانم باز ستاند، و خداوند مختار را جزای خیر بدهد.^۸

و مختلط چنان بر خورد قهرمانانای در رابط با ستمگران و طاغوت های زمان و آنما که امام حسین علیه السلام و یاران بزرگوارش را کشتند کرد،

که نه تاریخ، و نه پیامبر کرامی صلی الله علیه وآله و فرزندانش ائمه اطهار، هرگز فراموش نخواهند کرد.^۹



و پس از شهادت مظلومانای امام سجاد علیه السلام، صدف بقیع بار دیگر کوهری بس گرانبهارا، بدن مطهر سید الساجدین،

علی بن الحسین علیه السلام را عاشقانه، در آغوش مهربان خویش پذیرفت.

^۸ - اخبار الرجال «الکشی»

^۹ - اقتباس از کتاب زندگانی دوازده امام، تألیف هاشم معروف الحسینی، مترجم محمد مقدس، ج ۲، ص ۱۵۵.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا ابا الحسن يا علي بن الحسين يا زين العابدين يا بن رسول الله
ای ابا الحسن، ای علی بن الحسین ای زین العابدین، ای فرزند فرستاده خدا،

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولينا
ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما،

اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا
به تو روی آوردیم، و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،

يا وحيها عند الله اشفع لنا عند الله.
ای آبرو مند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.





بسته است همه ی بجزه مارو به نخاهم

چندی است که کم گشته ی دنیسه ی راهم

حس میکنم آینه ی من تیره و تار است

بر روی مفاصیح دلم کردو غبار است

از بس که مناجات سحر را سرودم

سجاده ی بارانی خود را نکشودم

پای سخن عشق دلم را نشاندم

یعنی چه سحرگاه که ابو حمزه خواندم

ای کاش کمی کم کنم این فاصله مارا

باخمه عشر طی کنم این مرحله دارا
بر آن شده ام تا که صدایت کنم امشب
تا باغلی عرض ارادت کنم امشب
ای زینت تسبیح و دعا ز فرمه یادت
در حیرتم آخر بنویسم چه برایت
اعجاز کلام تو مرا میر صحیفه است
جو شیده ز بور از دل قرآن به دعایت
در پرده عشاق تو یک گوشه نشسته است
صد خجسته داوود در آغوش صدایت
از بس که ملک دور و برت پر زده گشته است
"سیر این افلاک پر از عطر عیادت"
تنهانه فقط آینه در وصف تو حیران

باشد حجر الاسود الکن به ثنایت

من کمتر از آنم که به پای تو بیستم

عالم شده سجاده افتاده بر پایت

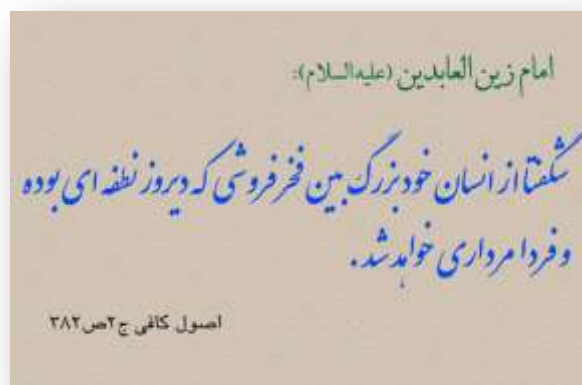
ید حمید رضا برقی

کتابخانه

و اینک کوش جان می سپاریم به گزیده ای از سخنان کبریا امام سجاد علیه السلام.



امام سجاد علیه السلام: مستطربان ظهور امام مهدی (عج) برترین اهل هر زمان اند.







صحیفه سجاده
جلد ۴۷ بند ۱۲۱

ای فرزند آدم (تو) خواهی ترد و سپس محسور می شوی
و در پیشگاه خداوند جهت سوال و جواب احضار خواهی شد
پس جوابی (قانع کننده) برایش مهیا و آماده کن.

تصحیح الطول: ص ۲۰۲، شماره الا نوار: ج ۶۰، ص ۶۶، ج ۳

www.rahbari.com

پروردگارا...
این منم که درباره ی آنچه به سوی آن باز می کردم،
فقط اندکی اندیشه دارم.

صحیفه سجاده
دعای ۵۲ بند ۸

سرور و مولایمان زین العابدین امام سجاد علیه السلام

انقوا الکذب الصغیر منه و الکبیر فی کل جذ و منزل فان الرجل اذا کذب فی الصغیر اجترى علی الکبیر اما علمتم ان رسول الله ص قال ما یزال العبد یصدق حتی یکتبه الله صدیقا و ما یزال العبد یکذب حتی یکتبه الله کذابا.

از دروغ کوچک و بزرگش، جدی و شوخیش پرهیزید زیرا آنکه در چیز کوچک دروغ گفت بدروغ بزرگ نیز حرکت پیدا کند آیا ندانید که رسول خدا ص فرمود: بنده (خدا) پیوسته راست گوید تا خدا او را صدیق نویسد و پیوسته دروغ گوید تا خدا او را کذاب (دروغگو) نویسد.

اصول کافی جلد ۴ صفحه: ۳۵ روایت: ۲۰

امام سجاد علیه السلام:

کنائمی که باعث نزول عذاب می شوند، عبارت اند از:

ستم کردن شفص از روی آگاهی،
تجاوز به حقوق مردم، و دست انداختن
و مسخره کردن آنان.

www.vashams.ir

دعای امام سجاد (ع) در طلب خیر
و بپیمائیدن حسن الخیر
و امن نخب المضطر اذا دعا و کیف السوء

۳۳



خداوندا!

مرا از آن کسان قرار ده
 که تو را در آسایش چنان به اخلاص خوانند
 که بیچارگان در رنج و سختی
 تویی ستوده و بزرگواری

فرازی از صحیفه سجادیه
 دعا ۲۲



بزرادگار من...
 به فضل خود،
 در آسایش را به رویم بگشای

صحیفه سجادیه
 دعای ۷ بند ۸

sms-sahife.ir



خداوندا!

درد و غم از من بمان تا آنجا دست یابم، بر سوی حرم دست درازی؛
 و با کلام بی مان در راه صفت و با نیتش، حرم نرسیم.

صحیفه سجادیه
 دعای ۲۲ بند ۷

asahife.com





دعای امام سجاد علیه السلام هنگام رنج و سختی

ای خدا مرا طاقت سختی و سفتی و رنج نیست ،
و صبر و شکیبایی و تحمل بلا و مصائب را ندارم ،
و قوه تحمل فقر و بینوایی را نخواهم داشت ،
پس مرا محروم از رزقم مگردان و کارم را به خلق وامگذار ،
بلکه خودت تنها حاجاتم را برآور ،
و امورم را به عنایت خود کفایت فرما ،

دعای بیست و دوم صحیفه سجادیه



دعای امام سجاد علیه السلام در مکارم اخلاق

پروردگارا آنچه را که شیطان به قلب من القا می کند که تمناها و
پندارهای باطل و حسد بر خلق است ، تو بدل کردن به تذکر عظمت و
تفکر در قدرت است ، و تدبیر در محو دشمنان خویش قرار ده ،
و آنچه که خواهد بر زبانم جاری شود از فحش و لغو و بدگویی و ریختن
آبروی مردم ، و یا شهادت دادن باطل و غیبت از مومنی غایب یا
بدگویی به مومنی حاضر ، یا مانند اینگونه اوقات و معاصی زبانم را بدل
گردان به ذکر و حمد و ثنای خود و استغراق در ستایش حضرتت ،
و انبیا کامل بر موجد و عظمت و شکر و سپاس نعمتت ، و اعتراف به
احسان و نعمات بی پایانت

فرائد از دعای بیست و نهم صحیفه سجادیه



دعا امام سجاد علیه السلام به ولاد یاسر مرگ



فراز از دعا جهنم صحیفه سجادیه



پروردگار ابر محمد و آل پاکش درود فرست،
و طول امل و آرزوهای دنیای فانی را از ما دور ساز، و رسته
آمال و آرزوهای دنیای ما را کوتاه گردان، تا به عمل صالح و
خالص بپردازیم، و زانی بر ای سفر طولانی خویش که در
پیش است مهیا سازیم، تا به جنتی که ابد از آن ساعت مهر
که گذشت به آرزوی ساعت دیگر نباشیم، و از روز گذشته
عمر انتظار روز دیگر نکشیم، و یک نفس منتظر پیوستن به
نفس دیگر ننشینیم، و یک قدم که بر میدانیم پیوستن به
قدم دیگر به عمر خود مطلقن نباشیم.

كُلُّ شَيْءٍ اِنْقَادٌ
فداوند! ابری نیست بیست آبنمایی، و بی سدری استحقاق ماست.





اللهم لا تنسني ذكر مناتي أذبار صلواتي، وفي إني من آتاء قبلي، و

في كل ساعة من ساعات تقاري.

بار خدایا! یاد ایشان (پدر و مادر) را در پی نمازها و در وقتی از

اوقات شب و در هر ساعتی از ساعات روزم از یادم مبر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنِ الْوَهَابِينَ يَمْنَعُكَ،
وَ اكْفِنَا وَجْهَ الْفَاطِمِينَ يَمْنَعُكَ،
حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدَلِكَ،
وَ لَا نَسْتَوْجِبَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.
پرزورده کارالا ما را به وسیله موهبت خود
از عطای اهل جود و سخاوت بی نیاز
گردانده و ما را به وسیله عطا و احسان
خویشزه از وحشت و ترس آنکه خانی از
ما بپزند کفایت فرما تا آنکه ما با بدلی و
عطای تو اهدا را شب به عطای هیچ کسی
نیاهیم و با وجود فضل و کرم
مشرحتی از اجتنای تشویم
تسبیح سوره الفاتحه

پرزورده کار! 
اراده ام را با اراده خودت هماهنگ فرما
تا آن کنم که تو می پسنی.

دعا در هنگام طهارت

اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ أَعْيُنَهُ وَ اسْرُّ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ

خداوند! دامنم را از هرگونه آلودگی جنسی حفظ فرما، و عیبم و پاکتی گردان، و عورتم را بپوشان [یعنی توفیق عطا فرما تا با پوششی مناسب، خود را مستور نمایم و با خودآزمی و بدلباسی، خود و دیگران را به گناه و الحراف نکشانم] و [جسم و جان] مرا را بر آتش حرام فرما.

بسم الله الرحمن الرحيم



خداوند!

تویی که خود را به رحمت
ستودی
پس درود بر محمد و آل او
فرست
و بر من رحم کن
و تو خود را بخشنده نامیدی
پس بر من بخشای
فرازی از صحیفه سجادیه









« وَ عَلَّمَكَ أَنْ تَحْتَفِزَ مَا أَسْأَلُكَ بِهِ فِي وَجْدِكَ
 وَ أَنْ تَحْتَفِزَ مَا أَسْأَلُكَ بِهِ فِي وَجْدِكَ
 خدایا! دانستم که درخواست زیاد و بزرگم
 نزد تو اندک و کوچک است.

سوره بقره
 آیه ۲۵۵

خداوند، بر محمد و آلش درود فرست و قلم را بر آنچه قنای توست نشود فرماید
 و سزایم را بر آنچه مقدر توست بکشاید. اطمینانی عظیم ناکه گوایی و هم که کلمه و
 قنای تو جز به خیر و نیکی جاری نباشد. چنان که شکر بر آنچه دینم داشت ای از سپاس
 بر آنچه بر من بخشیده ای افزون تر باشد. دعای سی و پنجم صحیفه سجادیه

**ای خدای من مرا به
 واسطه سپاس و شکر
 اندکم از خیر دنیا و
 آخرت محروم نگردان**

(دعای ۲۱ صحیفه سجادیه)

عمر و عمره (ع)

بارها، عمرم را ادامه بدد، مادامی
که هر روزش در طاعت تو مصروف
کردد، اما اگر موقعی فرا رسد که
عمرم چراگاه شیطان باشد، جانم را
بگیر و به حیاتم پایان بخش یش از
آنکه بغض تو متوجه من شود یا
خشمت درباره ام استقرار یابد.

اسوه باران

فرهنگ

Farhang Var

Amir@gmail.com

امام جهاد (ع)

رسول اکرم در آخر خطبه خود فرمود: خیر و
سعادت برای کسی کسر است که اخلاقش پندیده و
خوبش پاک باشد، مازاد اموال خود را
اقتاق کند و از اداء سخنان زائد اساک ناید
و با همه مردم به عدل و انصاف رفتار کند.

کتاب ۲، ص ۱۴۴

اسوه باران

فرهنگ

Farhang Var

Amir@gmail.com







امام سجاد (ع) :

یار خدایا ...

و برای من توانی قرار ده بر کسی که به من
ستم نماید، و زیبایی برنده، بر کسی که با من
دشمنی ورزد، و پیروزی بر کسی که با من
بسنجزد و چاره ای از مغالم ده در برابر هر کس
که به من نیرنگ زند، و نیز مرا قدرتی بخشای
بر هر که آزارم رساند.

المجله السیاسیه - العدد ۱۹ - من ۱۹

اسوه یاران
فرهنگه
www.FarhangYar.ir
Yazan.Amin@gmail.com
تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۹۲۲۵۲





اللهم عمرك لوليك العرج

التاس دعا